



### عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

دفتر سیاسی حزب به عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی برای فرماندهی سراسری گارد آزادی رای اعتماد داد. فرمانده سراسری گارد آزادی طبق قرار مصوب پلنوم سوم توسط دبیر کمیته مرکزی برای گرفتن رای اعتماد به دفتر سیاسی پیشنهاد میشود. عبدالله دارابی در این پست بعنوان معاون نظامی دبیر کمیته مرکزی عمل خواهد بود.



۱۰ آبان ۱۳۸۴ (۱ نوامبر ۲۰۰۵)

### جواب فدرالیسم

### حفظ مدنیت جامعه است!

(در جواب به داریوش همایون،  
"خط قرمز مبارزه")



حسین مرادیگی (حمه سور)

داریوش همایون همان "تمامیت ارضی" و بقول او "خط قرمز" طرفداران فدرالیسم در ایران نیز طرح فدرالیسم قومی است. طرفین این دو "خط قرمز" در واقع هرکدام به نوبه خود جامعه ایران را در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی به سمت پرتگاه جنگ قومی سوق میدهند. ←

فدرالیسم "تمامیت ارضی" بود. همان ابزاری که تاکنون به رشد قومگیرایی و تقویت فدرالیسم در ایران خدمت کرده است. داریوش همایون در نوشته جدید خود، "خط قرمز مبارزه"، در جواب به فدرالیسم یک بار دیگر همان موضع عظمت طلبانه خود را این بار با غلظت بیشتری تکرار کرده اند. "خط قرمز"

داریوش همایون بعد از نوشته اول خود، "ایران، یک کشور یک ملت"، که پیدابودت تحت تاثیر رویدادهای عراق به مخالفت با فدرالیسم روی آورده اند، به جای درس گرفتن از فاجعه عراق و احساس مسئولیت در قبال مردم و جامعه ایران، از زاویه ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی جوابش به

### در صفحات دیگر

حکم اعدام کریم فهیمی به او ابلاغ شد!

بررسی آخرین وضعیت کارگران نساجی کردستان

مردم روستای سردوش دو ماشین مزدوران را در هم شکسته و چند نفر از آنان را زخمی کردند!

مذاکرات مکرر کارگران نساجی با کارفرما و دولتیه!

### گفتگوی اکتبر با خالد حاج محمدی

به ۱۶ آذر نزدیک میشویم، چکار باید کرد؟



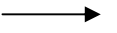
دانشگاهها محل اعتراضات پراکنده و مختلف علیه جمهوری اسلامی بوده است. اما نکته ای که باید مد نظر داشت این است که این روز و خود آماده کردن برای این صف آراییه علیه جمهوری اسلامی امر کل جامعه است و تنها مسئله دانشجویان نیست. جمهوری اسلامی و ارگانهای و نهادهای وابسته به آن طی سالیان در صفحه ۴

جمهوری اسلامی است. منتهاست که هم مخالفان جمهوری اسلامی و هم رژیم و ارگانهای سرکوبگرش برای این تقابل خود را آماده میکنند. هر دو طرف دارند فکریهای خود را میکنند و برای این صف آراییه برنامه می چینند. هر دو تجارب دوره ها و سالهای قبل را دارند. فضای اعتراضی بالاست و همچنانکه که شما گفتید در این مدت هم

اکتبر: خالد حاج محمدی " ۱۶ آذر روز دانشجو در راه است. اعتراضات دانشجویی بطور روزمره به بهانه های متفاوت در مراکز دانشگاهی در سراسر ایران وجود دارد. کلا اوضاع و احوال و جو فضای " اعتراضات دانشجویی " را چگونه می بینید؟

خالد حاج محمدی:

۱۶ آذر روز اعتراض علیه



در اینجا و در حد این نوشته من به هر دوی اینها می پردازم. جواب فدرالیسم "تمامیت ارضی" نیست جواب فدرالیسم و فاجعه ای که با آن به جامعه ایران تحمیل میشود، "تمامیت ارضی" آقای داریوش همایون نیست، این کار تنها ریختن آب به آسیاب طرفداران طرح فدرالیسم قومی در ایران است. فرمولبندیهای دیگری نیز که داریوش همایون در نوشته اخیرش مرتب آن را تکرار میکنند، از جمله: "عدم تمرکز منطقه ای و جغرافیایی در عین حفظ حقوق فرهنگی و اجتماعی همه ایرانیان با هر زبان و مذهب و احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های پیوست آن در حفظ حقوق فرهنگی و اجتماعی اقوام و مذاهب، و عدم تمرکز حکومت به عنوان ضرورت دمکراتیک و ضرورت توسعه هر دو"، همانجا، "خط قرمز مبارزه"، در واقع کدهایی هستند که داریوش همایون با دور زدن مساله اصلی، یعنی مساله ملی و ستم ملی در ایران، دارند از سر مصلحت گرایی خود و سازش با احزاب و جریانات قومی طرفدار طرح فدرالیسم، می فرستند. همانطور که احزاب و گروههای قومی نیز به جای حل چاره ساز مساله ملی و راه رفع واقعی ستم ملی، از کدهای خود بدین منظور استفاده میکنند. آنها نیز از همین اتیان و تحت همین عناوین برای عرضه کردن

طرح فدرالیسم خود به بازار جنگ قومی، استفاده میکنند. همانطور که در نقد نوشته قبلی ایشان "یک ملت، یک کشور" نیز نوشتم هر کدام از کلمات و عباراتی که ایشان در این پارگراف بالا چیده اند، خود حامل تناقضاتی هستند که طرفداران طرح فدرالیسم در ایران با آن میتوانند بقیه داریوش همایون را بگیرند و از او بخواهند که مثلاً "عدم تمرکز حکومتی" را ایشان چگونه در عمل پیاده خواهند کرد و چرا این کار لازم است و یا منظور ایشان از "حق مذهبی و فرهنگی و یا قومی" در ایران چیست؟ مقولات مورد استفاده و "راه حل ها"ی داریوش همایون تنها میتوانند طرفداران طرح فدرالیسم را نسبت به اجرای طرح خود، دلگرم تر کنند. می ماند تهدید با چماق "تمامیت ارضی" که این هم جواب فدرالیسم در ایران نشد. اگر این جواب بود لابد تاکنون معضلات موجود را حل کرده بود. بعلاوه تصور اینکه با تهدید ایشان، هر چند از قول "نیروی اصلی" پوزیسیون راست جامعه خطاب به احزاب و گروههای طرفدار فدرالیسم درون این پوزیسیون صادر شده است، طرفداران طرح فدرالیسم جا بزنند، ساده لوحی ای بیش نیست. این کار، تنها بازار جنگ قومی را گرم تر نگهمیدارد و به نوبه خود بخشی از سوخت یک جنگ قومی را در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی مهیا میسازد. جواب فدرالیسم حفظ مدنیت

جامعه است ، جواب فدرالیسم حفظ مدنیت جامعه و تلاش آگاهانه برای حفظ آن است. این جواب ماست؛ مدنیت جامعه خط قرمز ماست، هم در جواب به طرح فدرالیسم و هم به "تمامیت ارضی" خواهان. جواب ما به هر دوی اینها حفظ مدنیت جامعه است با اجرای مفاد منشور سرنگونی و ارائه راه حل های متمنانه و امروزی و در صورت اخلال در مدنیت جامعه، توسط هر نیرویی، وظیفه ما اعاده آن است با تمام قوا. با اتکاء به نیروی گارد آزادی و بسیج نیروی توده کارگر و دیگر مردم انقلابی ایران. ماهیت هر نیروی سیاسی ای نیز با این قضاوت خواهد شد که آیا خود را در حفظ مدنیت جامعه سهیم خواهد کرد یا نه؟ اگر آری با ارائه و یا دفاع از کدام راه حلها؟ آیا از طرح فدرالیسم و عراقیزه کردن جامعه ایران حمایت میکند که جامعه را به سمت سناریوی سیاه هول میدهد، یا با دفاع از راه حل های متمنانه و امروزی در حفظ مدنیت جامعه خود را سهیم میکند؟ نمیتوان ویروس قومیت و ملیت را در بدن جامعه تزریق کرد و دم از حفظ مدنیت جامعه زد، کاری که طرفداران فدرالیسم قومی و یک عده روشنفکری که پشت آنان صف بسته اند، دارند میکنند. نمیتوان چماق "تمامیت ارضی" را بلند کرد و دم از مدنیت جامعه زد، کاری که داریوش همایون میکند. کسی که به جای مدنیت جامعه "تمامیت ارضی" تنها

سیاه چال عراق را در ایران میکند. در عوض دفاع از برسمیت شناختن تساوی حقوق کامل شهروندی همه افراد و احاد جامعه در مقابل دولت بدون هیچ تبعیضی بر اساس ملیت، قومیت، جنسیت، مذهب و رنگ و زبان و غیره یعنی تعهد و پایبندی به حفظ مدنیت جامعه در مقابل طرح فدرالیسم و عراقیزه کردن ایران. دفاع از جایگزین کردن هویت انسانی و منی مشترک همه افراد و احاد جامعه به جای هویت های قومی و ملی و مذهبی جعلی و دروغین یعنی تعهد به حفظ مدنیت جامعه ایران. پیش کشیدن خواست یک دولت سکولار و غیر قومی در ایران یعنی گام برداشتن در جهت حفظ مدنیت جامعه ایران. دفاع از جدایی حکمیت از "ملت" و دفاع از خصوصی کردن قومیت و جدا کردن قوانین منی و اجتماعی جامعه ایران از قومیت و از مذهب یعنی تلاش آگاهانه برای حفظ مدنیت جامعه در مقابل سناریوی جنگ قومی. لغو مذهب رسمی و زبان رسمی، آزاد گذاشتن خواندن و نوشتن به زبان محلی در هر سطحی، و حمایت از بندهای منشور سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان راه حل پایه ای حفظ مدنیت جامعه در ایران و سرانجام تعهد به حفظ مدنیت جامعه از طرف نیروهایی که حفظ فضای سیاسی آزاد را مناسب و به نفع گسترش نفوذ خود میدانند، ممکن میشود. اینها راه حل های متمنانه و

تماس با اکتبر:

sharifi\_abdollah@yahoo.com  
Tel: 0046736975226

دستیار سردبیر: اسماعیل وایسی  
esmail.waisi@gmail.com

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
دبیر: حسین مراد بیگی (حماه سور)  
h\_moradbiegi@yahoo.com  
Tel: 00447960233959

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!



## حکم اعدام کریم فهیمی به او ابلاغ شد!

که به اعتراضات آنها نیز جوابی ندادند. کریم فهیمی در حال حاضر در زندان سردشت منتظر اجرای حکم اعدام و چشم به انتظار اقدامات ما برای نجات جان خود است.

کمیته سردشت حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن این حکم جنایتکارانه، مردم مبارز سردشت را به اعتراض علیه حکم اعدام کریم فرامیخواند. اعدام کریم فهیمی به جرم مشروب خوری جنایتی آشکار و وحشیانه میباشد و فوری باید لغو شود. همینجا و به این مناسبت از تمام احزاب، سازمانها، نهادها و شخصیتهای انساندوست میخواهیم که با اعتراض به جمهوری اسلامی و حکم جنایتکارانه دادگاه سردشت، خواهان لغو فوری حکم اعدام کریم فهیمی شوند.

### کمیته سردشت حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست

۱۵ آبان ۱۳۸۴ \_ ۶ نوامبر ۲۰۰۵

بنابال اعتراض کریم و خانواده و وکیل مدافعش، این حکم به دیوان عالی کشور ارجاع داده شد. سرانجام سید احمد فتیل زاد رئیس شعبه ۳۲ دیوانعالی کشور همراه با نبی الله راجی مستشار این شعبه که مسئول رسیدگی به این پرونده بوده اند، حکم دادگاه سردشت را تأیید کردند. هفته گذشته حکم نهایی اعدام کریم در زندان سردشت به او اعلام شد.

در این مدت همسر و مادر و برادران کریم فهیمی در اعتراض به این حکم جنایتکارانه ۲ هفته در مقابل دیوانعالی کشور در تهران متحصن شدند و خواهان رفع اتهام از کریم و لغو حکم اعدام او شدند

همچنانکه در اطلاعیه های کمیته سردشت اعلام کردیم، روز دوازدهم خرداد ۱۳۸۴ حسن زاده رئیس دادگستری سردشت حکم اعدام فردی بنام کریم فهیمی معروف به کریم شالو را صادر کرد. اتهام نامبرده که متعاقباً از طرف این دادگاه بمتابه جرم قلمداد شده است اقدام به مشروبخواری بوده است.

کریم قبلا سه بار دیگر به همین دلیل مورد تعقیب و مجازاتهای دیگر قرار گرفته است. طبق حکم صادره از جانب حسن زاده، کریم باید با اسلحه گرم و در خارج از شهر اعدام شود.

خود این را تضمین میکنیم. مقابله با دو سوی این راه حل ارتجاعی در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی واضح است تلاش وسیع تر و همه جانبه تری را می طلبد. به ما محدود نمیشود. دست رهبران و فعالین کارگری و همه انسانهای شریف و آزادیخواه و برابری طلب در ایران را می بوسد که برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکنند. باید اقدامات عملی هماهنگی را در مقابله با فدرالیسم و راه حلهای سناریوی سیاهی از قبیل "تمامیت ارضی" و غیره در این پروسه انجام داد.

6 نوامبر 2005

این را به جامعه و مردم نمیگویند و آن را در بسته بندی "لوکس" فدرالیسم عرضه میکنند؟ جواب ما به طرح فدرالیسم و "تمامیت ارضی" طلبان، همانطور که پیشتر گفتم، حفظ مدنیت جامعه است. این کار، کار ماست، کار حکمتیست ها و کار طبقه کارگر و رهبران و فعالین کارگری و نیروهای انساندوست این جامعه است. کار کسانی است که برای حل معضلات جامعه و پیشگیری از فرورفتن جامعه ایران در باطلاق پاکسازی قومی نه بنیبال راه حلهای کانب و جعلی ملی و قومی و مذهبی که دنبال راه حلهای متمدنانه و شایسته بشریت متمدن امروزی هستند. ما به سهم

میشود، نه راه حل دیگری برای معضلات این جامعه دارد و نه ظاهراً حاضر است راه حل متمدنانه و امروزی را نیز برای حل معضلات این جامعه برسمیت بشناسد و به آن گردن نهد. طرفداران طرح فدرالیسم نیز اگر ریگی در کفش ندارند چرا به جای گردن نهادن به این حق و حقوق متمدنانه و امروزی که راه را برای همزیستی برابر همه شهروندان جامعه و حل مساله ملی و رفع ستم ملی در ایران باز میکنند، به طرح فدرالیسم و عراقیزه کردن ایران پناه برده اند؟ جز این است که رسیدن به نوایی را برای خود تنها در فروبردن جامعه در سیاه چال جنگ قومی می بینند؟ چرا صراحتاً

طرفداران طرح فدرالیسم؟ چرا به جای اینها در جواب به فدرالیسم به "تمامیت ارضی" که تنها نفرت موجود از شوونیسم مرکزی را در جامعه عمیق تر میکند، از لشگرکشی های دیگر، از خونریزیهای دیگر، از زد و خورد های دیگر و از درد و رنجهای بیشتر و افزایش ضدیت بین آحاد مختلف جامعه، خبر میدهد، پناه برده است؟ ظاهراً در سنت و فرهنگ و نگرش ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی به جامعه، آن گرایشی که آقای داریوش همایون بخشی از آن را نمایندگی میکنند، راه حلهای متمدنانه و امروزی جایی ندارند. این گرایش ظاهراً جز شوونیسم مرکزی نه مننیتی سرش

→  
امروزی در شرایط حساس سیاسی فعلی در جواب به طرح فدرالیسم و سم قومی و عظمت طلبی است که با "تمامیت ارضی" در جامعه تزیق میکنند. راه حلهایی که هم ممکن اند، هم عملی اند و هم واقعی اند و هم در عین حال جزو حقوق ابتدائی همه ساکنین یک جامعه و یک کشورند. چرا داریوش همایون به جای تعهد و گردن نهادن به این راه حلهای متمدنانه و امروزی از آن روی بر می تابند؟ چرا به جای این راه حلهای متمدنانه به چماق "تمامیت ارضی" و یا انبانی از خرافه "قومی و مذهبی" پناه می برند که هرکدام از آنها بهانه و توجیهی شده اند در دست

### کمکهای مالی به کمیته کردستان حزب

محمد راستی ۵۰۰ دلار  
جمع آوری توسط عبدالله دارابی ۱۰۰ دلار  
ناهد پرتوی ۱۰۰ دلار  
محمد جعفری ۱۵۰ دلار

### کمکهای مالی به گارد آزادی

ابراهیم هوشنگی ۲۴۰۰ کرون  
مریم آفرسیا پیور ۴۰۰۰ کرون  
بختیار مصطفی ۵۰۰ کرون

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

گنشته تلاش کرده اند که اعتراضات در این روز را در چهارچوبه دانشگاه محدود نگه دارند. ۱۶ آذر مناسبتی است که کل مردم معترض در این مناسبت تلاش دارند و تلاش کرده اند به جمهوری اسلامی نه بگویند. تلاش کرده اند که در این روز و به این مناسبت همراه و همگام با دانشجویان اعلام کنند جمهوری اسلامی را نمیخواهند. محل این اعتراض و این اعلام نارضایتی و مکان این حضور به هم رساندن با توجه به خود مناسبت و با توجه به جایگاه دانشگاه و دانشجو در اذهان جامعه دانشگاه بوده است. امسال این صف آری به نسبت سالهای گذشته تغییری کرده است. جمهوری اسلامی یکدست شده است. دولت احمدی نژاد نماینده قطب منسجم ارتجاع حاکم و نوک نیز این ارتجاع است. از دو خرداد و جریاناتی که به عنوان حلقه واصل و لایه عایق در میان جمهوری اسلامی و مردم معترض عمل میکردند خیری نیست. به سانگی تو صف بی توهم به هم عریان در مقابل هم قرار دارند.

#### اکتبر:

با توجه این وضعیت که اشاره کردید فاکتورهای اصلی یا گره های اصلی قضیه چه هستند؟ فعالین چپ و دانشجویان مبارز و آزادیخواه، رهبران و فعالین چپ و کمونیست چه وظایفی دارند؟

#### خالد حاج محمدی:

دانشگاهها تاریخا محل اعتراض رادیکال و چپ بوده است که، اینجا وارد دلایل آن نخواهم شد. پارسال

در دانشگاهها پرچمی که بلند شد و در مقابل جامعه و مردم به اهتزاز در آمد یک پرچم چپ و انسانی در دفاع از مردم بود. آزادی و برابری به عنوان خواست اصلی در اعتراضات دانشجویی که اعتراض رادیکال مردم را نمایندگی میکرد به خوبی پیدا بود. سوالی که اکنون در مقابل هر انسان ازاده و هر دانشجوی کمونیست قرار دارد این است که آیا میتوان این پرچم را به عنوان امیال و آرزوهای انسانی مردم با قدرت بلند کرد؟ لذا یکی از مسائل اصلی این است که چپ و راست جامعه که هر دو در تلاش هستند رنگ خود و جنبش خود را به اعتراضات مردم بزنند، هر دو در تلاش هستند که مهر خود را به تحریکات مردم علیه جمهوری اسلامی بزنند، کدام در این مناسبت میتواند دست بالا را داشته باشد. اعتراض علیه جمهوری اسلامی بالاست این را دنیا میداند. از سپاه پاسداران تا مرکز اطلاعات و تا نول غربی و مردم همگی میدانند که مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند. اما برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی این کافی نیست. کنار گذاشتن جمهوری اسلامی و چگونگی این کنار گذاشتن رهبری این نه خواستن رژیم از جانب مردم خود جدالی اصلی در سیاست ایران است. مهم این است که در ۱۶ آذر امسال بار دیگر و با قدرت پرچمی که نمایانگر اعتراض در این روز است، پرچمی انسانی باشد که آرزوها و امیال مردم که چیزی جز رفاه و آزادی و برابری نیست نمایندگی کند. باید بار دیگر و با قدرت بیشتر به جامعه اعلام کرد که حقوق انسان جهانشمول است، که آزادی و برابری و

مرگ بر جمهوری اسلامی شعار اصلی ماست. مهم این است که حول این خواست و حول دفاع از حقوق انسان نیرو جمع کرد و با قدرت ظاهر شد. مهم این است که این خواست و امیال را به جامعه معرفی کرد و این شعار را به شعاری که در هر تجمع اعتراضی، در هر سخنرانی و مناسبتی نمایان است تبدیل کرد. امسال ما می بینیم که مردم را در مقابل خطر جدی سناریوی از هم پاشاندن جامعه قرار داده اند. همه نگران تخریب مدنیت و زندگی اجتماعی خود هستند، بازیگران سناریوی سپاه در تدارک تفرقه های قومی و مذهبی تهدید جدی در مقابل مردم مصمم به پاک کردن نظام اسلامی محسوب می شوند. دانشگاه میتواند و باید در مقابل این سناریو نقش متحد کننده داشته باشد. این ویژگی مهمی است که باید رهبران چپ دانشجویی متوجه آن باشند. اینها وقتی مقنن است که انسانیهای برابری طلب و نمایندگان واقعی مردم، که دانشجویان کمونیست رهبری تحریکات و اعتراضات علیه جمهوری اسلامی را در این روز در دست داشته باشند. همچنانکه گفتیم روز ۱۶ آذر روز اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی است. محل حضور به هم رساندن مردم نارضایتی در دانشگاه و مناسبت آن، روز دانشجو است. در این روز کل جامعه چشم به دانشگاه دوخته است و نارضایتی تلاش دارند که در این مناسبت علیه جمهوری اسلامی به میدان بیایند. لذا اصلی ترین مسائل در جامعه که جامعه حول آن قطبی شده یا قطبی خواهد شد به جلو صحنه راند میشود. لذا پرچمی که در این روز و در این اعتراضات بلند میشود باید جامعه و اعتراض مردم

به جمهوری اسلامی را نمایندگی کند و حول این پرچم کل جامعه را قطبی کند. نکته دیگر تلاش برای ایجاد یک صف سراسری در اعتراض به جمهوری اسلامی است. مهم این است که در کل دانشگاهها اعتراض علیه جمهوری اسلامی را یکدست و هماهنگ کرد. گفتیم مهم جمع کردن مردم زیر پرچمی رادیکال و انسانی است. لذا فاکتور نیرو مهم و حیاتی است. این کار با ایجاد یک صف متحد از تهران تا اصفهان و مشهد و سنج و شیراز و مهاباد و... ممکن است. باید تلاش کرد در ۱۶ آذر در ابعادی سراسری و هر جا اعتراض و تحرکی است به هم وصل شود و حول یک پرچم مشترک و شعارهای مشترک جمع شود. کل این کارها وقتی مقنن است که دانشجویان کمونیست و صفی از انسانیهای آزادیخواه در همین ابعاد به هم وصل شوند. شبکه ای از رهبران هوشیار و فعالین انسان دوست و چپ و رادیکال در حرکتی هماهنگ در این روز و به این مناسبت پای کاری سراسری و مشترک بروند. خود این امر خارج از اینکه در ۱۶ آذر اعتراض و تظاهرات و تجمعی صورت بگیرد یا نه دستاوردی مهم در ادامه تحریکات اعتراضی خواهد بود

#### اکتبر:

در مورد تحریکات دانشجویی در کردستان چه میگوید؟ مسلما نکاتی که اشاره کردید شامل کردستان هم است. تحریکات و اعتراضات دانشجویان سال گذشته در دانشگاهها در کردستان، بنوعی جنبه اجتماعی بخود گرفت و محدود به محیطهای دانشگاهی یا تنها دانشجویان

نبود. سوال این است در کردستان باید چکار کرد؟ آیا ویژگی خاصی قابل هستند؟ کلا دانشجویان آزادیخواه و رادیکال در دانشگاههای شهرهای کردستان چه باید بکنند و مردم و نهادهای اجتماعی چه نقشی میتوانند و باید داشته باشند؟

#### خالد حاج محمدی:

من اشاره کردم که در این روز مردم چشم به دانشگاه دوخته است و جامعه در انتظار تحرکاتی است که مرکزش دانشگاه است. گفتیم که در اذهان جامعه دانشگاه مکان خاصی است که نوعی قوسیت دارد. دانشجو در اذهان جامعه مورد احترام عموم است، دانشگاه محل علم و یادگیری است و دانشجویان جایگاه خاصی در میان مردم دارند. به همین دلایل مردم در انتظار اتفاقاتی هستند که در دانشگاه پیش میاد. رژیم اینها را میداند و به همین دلایل جمهوری اسلامی هم در برخورد به دانشگاه مجبور است جانب احتیاط را رعایت کند. حمله و سرکوب برایش راحت نیست و میتواند موجی از اعتراض کل جامعه را به دنبال بیاورد. گفتیم که ۱۶ آذر روز اعتراض به جمهوری اسلامی است و محل این اتفاق دانشگاه و مناسبت آن روز دانشجو است. کل جامعه از کارگر و کارمند و بازاری و جوان و پیر این روز و اتفاقاتی که می افتد را تعقیب میکنند. جامعه به چشم نسل صاحبان مملکت به دانشجو نگاه خواهد کرد و به همین دلیل این روز مهم است و کل مردم خود را در قبال آن مسئول و سهیم میدانند. همچنانکه گفتید خطاب من کل دانشجویان در سراسر ایران بود و فکر میکنم نکاتی که طرح کردم همه جا به یک اندازه مهم است. در کردستان نیز ←

## مذاکرات مکرر کا رگران نساجی با کارفرما و دولتیا!

پول را پرداخت میکنند. کارگران این شرط و شروط را قبول نکردند و گفتند حقوق کامل 45 روز ایام اعتصاب را میخواهیم. کارگران گفتند که ما را مجبور به این اعتصاب کردید و باید تاولش را شما بپردازید. اگر این کار را نکنید اعتصاب ادامه خواهد داشت... کشمکش کارگران باتمامینگان دولت و کارفرماها ادامه دارد. اتحاد کارگران ضامن پیروز آنها است.

**کمیته سندج حزب حکمتیست**  
17 آبانماه 84 ( 8 نوامبر 2005)

بودند. جلسه مذاکره تا ساعت 1 بعد از ظهر ادامه داشت. کارفرما و نمایندگان دولت تمام تلاششان فشار بر کارگران برای پایان دادن به اعتصاب و شروع کار بود. آنها گفتند که تمامی خواسته های کارگران را قبول میکنند. در مورد حقوق 45 روز ایام اعتصاب نیز اظهار داشتند که کارفرما 20 روز را پرداخت میکند و 25 روز باقیمانده به مراجع قانونی ( هیات تشخیص اداره کار) ارجاع شود. و گفتند که اگر کارگران در مراجع مربوطه محکوم شوند آن 20 روز پرداخت شده بطور قسطی از حقوقشان برداشته خواهد شد. و اگر کارفرما محکوم شد بقیه

در روزهای اخیر کارگران کارخانجات نساجی کردستان مذاکرات مکرری با کارفرما و نمایندگان دولت داشته اند.

در ادامه آن امروز سه شنبه 17 آبانماه مذاکرات مجدد در کارخانه نساجی و از ساعت 10 صبح در جریان بوده است. حداقل 3 شیفت از کارگران و نمایندگانشان و معاون سیاسی امنیتی استانداری، مصطفایی از اطلاعات، قربانی مدیر عامل و بشارتی رئیس کارخانه و نماینده اطلاعات در جلسه مذاکره امروز حضور داشتند.

عبداللهی رئیس کل حراست بنیاد جانبازان و محمدی رییس روابط عمومی از تهران هم آمده

## مردم روستای سردوش دو ماشین مزدوران را در هم شکسته و چند نفر از آنان را زخمی کردند!

میرانند. در این درگیری، چند نفر از اهالی نیز زخمی میشوند. بنیال آن، مزدوران شکسته خورده نیروی انتظامی به قرارگاه پاسداران مستقر در آن حوالی مراجعه نموده و آنان را به کمک میطلبند. مزدوران سپاه هم بکمک نیروی انتظامی شتافته و برای بار دوم به روستای سردوش وارد میشوند. این بار هم بخاطر اعتراض یکپاره مردم، مزدوران رژیم دست از پا دراز تر سرفاکنده از روستا خارج میشوند.

**کمیته میروان حزب حکمتیست**  
۶ نوامبر ۲۰۰۵

مزدوران نیروی انتظامی رژیم روز چهارشنبه ۱۱ آبانماه به قصد حمله به کاروان چپان وارد روستای سردوش شده که با مقاومت شدید مردم رو برو گشتند. ورود مزدوران نیروی انتظامی به این روستا، ابتدا با عکس العمل سریع جوانان روبرو گشته سپس به درگیری سختی بین مردم سردوش و مزدوران رژیم منجر میشود و مردم با سنگ و چوب و تیر و..... به مزدوران حمله ور شده، ۲ ماشین مزدوران را بکلی در هم شکسته و چند نفرشان را هم از ناحیه سر و دست و پا زخمی مینمایند این درگیری نزدیک به یک ساعت ادامه داشته سرانجام مردم مزدوران را از روستا بیرون

برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی است. روزی است که دانشجویان و مردم علیه جمهوری اسلامی به میدان می آیند. روزی است که به یک صف سراسری و انسانی در مقابل جمهوری اسلامی، در مقابل تلاش ارتجاعی برای عرافیزه کردن ایران، در مقابل خطر سناریوی سیاه و هیزم آوران جنگ قومی است. در این روز باید پرچم انسانیت در هر جمع و تجمعی و با رهبری سوسیالیستها و برابری طلبان در دانشگاههای کردستان و سراسر ایران در اهتزاز باشد.

دفاع از انسان و انسانیت و از مدرنیسم و برابری طلبی در همه دانشگاههای کردستان همراه و همگام با دانشجویان آزادیخواه در سراسر ایران در اهتزاز باشد. باید به صف سراسری اعتراض علیه جمهوری اسلامی شکل داد و سازمان داد. این دیگر بر عهده دانشجویان آگاه و برابری طلب است. در مورد نقش مردم و نهادها هم طبیعتاً پیوستن به تحرک دانشجویی و تقویت آن و تبدیل شدن به بخشی از آن است. روز ۱۶ آذر روز اعتراض مردم، روز نه گفتن به جمهوری اسلامی، روز دفاع از حرمت و کرامت انسان، روز بانگ زدن آزادی و

است نه ارتجاع و قوم پرستی. باید مانع شد که ناسیونالیستها با شعار کردایی، با افکار ضد زن و با زدن رنگ قومی، اعتراض بر حق مردم علیه جمهوری اسلامی را به بیراهه بکشند. باید همگام با دانشجویان در سراسر ایران اعتراض رادیکال علیه جمهور اسلامی را سازمان داد. باید به دنیا نشان داد که نسل جوان در جامعه ایران، در دانشگاههای کردستان به همان اندازه مدرن و پر توقع است که جوان و دانشجوی فرانسوی و آلمانی و انگلیسی. که همان توقعی را از خود و زندگی دارد که جوانان مدرن در سراسر جهان. باید تلاش کرد پرچم

مردم رنگ قومی و محلی بزنند. امید به دخالت آمریکا و قومی و محلی کردن اعتراض مردم و باد زدن تعصبات غیر انسانی از قومی گرفته تا مذهبی و ایجاد نفاق و دشمنی میان مردم را پیش گرفته اند. در مقابل ما کمونیستها و صف وسیعی از انسانهای آزادیخواه و مردم شریفی قرار داریم که خواهان جامعه ای انسانی و برابر و مرفه هستیم. در کردستان و در این مناسبت باید تلاش کرد که مهر آزادیخواهی به اعتراض دانشجویان و مردم در ۱۶ آذر زده شود. باید به جامعه نشان داد که کردستان و دانشگاهها مرکز تمدن و آزادیخواهی و برابری طلبی

اعتراضات علیه جمهوری اسلامی یکسخت نیست. جریانات مختلف، احزاب مختلف و جنبشهای مختلف تلاش میکنند که مهر خود را بر تحرکات اعتراضی بزنند. میخواهند اعتراض مردم را زیر سایه امیال خود بکشانند و به آن رنگ جنبش خود را بزنند. ناسیونالیستها که طیفی از رژیمهای به اپوزسیون رانده شده تا احزاب ناسیونالیستی اپوزسیون جمهوری اسلامی را شامل میشوند، اکنون زیر شعار فدارالیسم نیرو و توان خود را با هر اختلافی یک کاسه کرده اند. اینها امید به دخالت امریکا بسته اند و در تلاشند به هر تحرک اعتراضی

## بررسی آخرین وضعیت کارگران نساجی کردستان (فریدون رها)

حقوق ایام اعتصاب را هم همراه با همین مطالبات بدهند چرا که این اعتصاب در برای گرفتن این مطالبات صورت گرفته است و اگر طولانی شده به علت بی مسولیتی و سر باز زدن کارفرما از رسیدگی به این خواستها بوده است و لاغیر .

2- در این نشست کسانی به کارگران وعده پرداخت مطالباتشان را داده اند که نه طرف حساب کارگران هستند و نه می توانند خواسته هایشان را پیگیری کنند. این کارخانه مدیریت خود را دارد و این مدیریت طرف کلرگران است نه اداره اطلاعات و نیرو انتظامی . کارگران باید کماکان جلسات مجمع عمویشان را برگزارکنند و با نقشه و هدفمند بار خودشان را ببندند و پای هر مذاکره ای که میروند طرفشان را وادارند که مطالباتشان را به علاوه حقوق ایام اعتصاب بدهد. دیگر وقت نرسیده که خانواده های کارگران وارد عمل شوند و فشار ها را مضاعف کنند. خانواده کارگران در یک تحصن در مقابل استانداری و یا تجمعی در جلوی کارخانه می توانند این جانین را وادارند که مطالبات کارگران را بپردازند و برای تکان دادن افکار عمومی باید صندوقهای کمک را در میان مردم شهر و کارخانه ها و شهرک های صنعتی شهر بگردانند. به هیچ قیمت نباید دستگاه ها را استارت زد مگر این که کارفرما را وادارند که خواستها و حقوق ایام اعتصاب را پرداخت کند، چرا که اگر غیر از این باشد ما شکست خواهیم خورد و و این شکست به اتحاد و انگیزه کارگران لطمه ای جدی خواهد زد که جبرانش بسیار سخت به نظر می رسد.

### درد بر اتحاد یکپارچه کارگری !

14/8/84

گنشته و کماکان پر قدرت دارد کار خود را پیش می برد، نیرو و انگیزه اش را از به نتیجه رسیدن اعتصابات قبلی وام گرفته است. در این دوره و با وجود تمام معضلاتی که کارگران و خانواده هایشان را احاطه کرده، از فقر و گرسنگی گرفته تا فشار نیروهای سرکوب گر اطلاعات و نیرو انتظامی و...، تا زمانی که این کارگران صفوف متحدشان را حفظ کنند در مقابل تمام اینها می توانند بایستند و بار دیگر به عقبشان برانند. روز 3 شنبه 10/8/83 و بعد از



راهپیمایی کارگران، مذاکره ای ترتیب داده شد که در آن نمایندگان کارگران، نمایندگان اطلاعات، اداره کار و نیروی انتظامی به علاوه یکی از معاونین قربانی مدیر کارخانه حضور داشتند. در این نشست صورت جلسه ای به امضا میرسد با این عنوان که تمام خواست های کارگران برآورده میشود و بیمه ایام اعتصاب کارگران پرداخت خواهد شد اما حقوق این ایام را باید بعد از طریق دادگاه و شکایت از کارفرما پیگیری کنند و اگر تشخیص داده شد که حق با کارگران بوده حقوق این ایام را نیز خواهند پرداخت! این شارلاتان بازی و کلاه برداری آشکار است و کارگران نباید این جلسات و صورت جلسات را به رسمیت بشناسند و امضا کنند، به دو دلیل:

1- اگر امروز تشخیص داده شده که حق با کارگران است و حاضر شده اند مطالباتشان را بپردازند، پس باید

دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. با این مبنا اعتصاب اول شروع شد و همین مصلحت مشترک باعث شد که با تمام قدرت به میدان بروند و نتیجه این مبارزه گرفتن سه برابر حق و حقوقی بود که قبل از مبارزه برای آنها تعیین شده بود ( 4 ماه و نیم سنوات به جای 1 ماه و نیم ). این پیروزی و این دستاورد به این کارگران گفت که با داشتن اتحاد و همبستگی می توان حق خود را از صاحبان کارخانه گرفت. این یکپارچگی و نمایش قدرت کارگری،

در ذهن تمام کسانی که در جریان این مبارزه حضور داشتند و یا آن را شاهد بودند، معادله ای را ثبت کرد؛ { اتحاد کارگر = با قدرت کارگر = گرفتن حق و حقوق ( دستاورد ) } . این را هم کارگران فهمیدند و هم کارفرما. در دور دوم اعتصاب هم کارگران با حفظ آرایش متحدشان یار دیگر کارفرما را به زانو در آورند. در اعتصاب سوم که اعتصابی نسبتا طولانی بود و 16 روز به طول انجامید بار دیگر کارگران عمده خواستهایشان را به علاوه حقوق ایام اعتصاب با استحکام و افروندن توازن فوایشان و شکستن بایکوت خبری و جلب حمایت های جدی داخلی و خارجی، از کارفرما گرفتند. بعد از هر دوره اعتصاب و رسیدن این کارگران به تمام مطالبات شان و یا بخشی از آنها روحیه و انگیزه شان برای مبارزه ای دیگر و و نمایش اتحادی دیگر چند برابر می شد و این اعتصاب که حدود یک ماه و نیم از آن

کارگران نساجی کردستان حدود 6 هفته است که در اعتصاب به سر می برند. در این مدت متاسفانه صدای اعتصاب چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی به گوش طبقه کارگر نرسید و حمایتی جدی از این حرکت اعتراضی نشد. عاملین و آمرین بایکوت وحشتناک خبری این اعتصاب باز هم متاسفانه کار خود را پیش بردند و صدای کارگران را در کارخانه حصار کشیدند. در این مدت کارفرما و دولت با تمام اجزا و دستگاه سرکوب گر و ضد انسانیش بارها و بارها سعی کردند که از هر حقه ای برای شکستن این اعتصاب استفاده کنند. تلاش کردند که بین کارگران و نمایندگانشان جدایی انداخته و شیرازه اعتصاب را از هم بپاشند، نمایندگان کارگران و خانواده هایشان را آزار دادند، تهدید و بازداشتشان کردند، مهر آشوب طلب بر آنان زدند و خواستند به عنوان عوامل و بانیان اصلی اعتصاب معرفی شان کنند. با دادن وعده و وعید به چند کارگر ببدخت بسیجی آنها را تحریک می کنند که دستگاه ها را استارت بزنند، اما در مقابل تمام اینها فقط یک فاکتور توانست مانع از سر گرفتن این حقه ها شود و اعتصاب را کماکان با استحکام پیش ببرد و آن هم اتحاد و همبستگی یکپارچه این کارگران است که بعد از 4 دوره مبارزه، در میان آنان به سنتی زیبا تبدیل شده است. اما از این اتحاد باید به نحوی استفاده کرد. این اتحاد چگونه به وجود آمد و چه جایگاهی دارد؟ در اعتصاب اول کارگران همین کارخانه که در اعتراض به اخراج شدن 175 کارگر سازمان داده شد، کارگران در مقابل دو انتخاب قرار گرفتند؛ یا اخراج با کمترین حقوق و مزایا و یا این که مبارزه برای اخراج با مزایایی بیشتر. یعنی در هر صورت کارگران کارشان را از دست داده بودند و مشخص بود که در برابر مصلحتی مشترک ( تلاش برای گرفتن مزایایی بیشتر ) باید متحد وارد عمل شوند و اگر هم نشد